

انتظار در فرهنگ شیعه

نویسنده : خدامراد سلیمیان

کسی که بی تو سر صحبت جهانش نیست	چگونه صبر و تحمل کند؟ توانش نیست
به سوز هجر تو سوگند، ای امید بشر	دل از فراق تو جسمی بود که جانش نیست
اسیر عشق تو این غم کجا برد که دلش	محیط غم بود و طاقت بیانش نیست
نه التفات به طوبی کند، نه میل بهشت	که بی حضور تو حاجت به این و آنش نیست
کسی که روی تو را دید یک نظر چون خضر	چگونه آرزوی عمر جاودانش نیست
کسی که درک کند فیض با تو بودن را	به حق حق که عنایت به دیگرانش نیست
بهار زندگیم در خزان نشست، بیا	بهار نیست به باغی که باغبانش نیست

«محمدجواد غفورزاده»

شکی نیست که انتظار در فرهنگ گرانسنگ تشیع از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و در مباحث مهدویت درخشندگی خاصی دارد .

مجموعه روایاتی که سخن از انتظار گفته اند، به دو دسته کلی تقسیم می شوند :

دسته نخست: روایاتی است که به انتظار فرج و گشایش به صورت عام و کلی اشاره کرده است، که اگر چه مصداق کامل و تام آن فرج عمومی در سطح جهان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز هست، ولی هر گشایشی را نیز شامل می گردد .

دسته دوم: روایاتی است که در خصوص فرج قائم آل محمد علیه السلام و ظهور آخرین مصلح جهانی و موعود است .

در روایات دسته اول با تعبیرهای متفاوتی مواجه می شویم :

-گاهی آن را عبادت دانسته اند؛ رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «انتظار الفرج

عبادة»⁽¹⁾ ; «انتظار فرج عبادت است»

-گاهی از آن به عنوان برترین عبادت یاد کرده اند؛ حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«افضل العبادۃ انتظار الفرج»⁽²⁾ ; « برترین بندگی، انتظار گشایش است. »

-و گاهی از آن به عنوان برترین کارهای امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله یاد کرده اند؛ پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله فرمودند: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل»⁽³⁾ ; «برترین کارهای

امت من، انتظار گشایش از خداوند عزیز و جلیل است. »

-و گاهی نیز به آثار وضعی انتظار اشاره کرده، خود انتظار فرج را نوعی فرج و گشایش معرفی نموده اند . در این

باره امام سجاد علیه السلام فرمودند: «انتظار الفرج من اعظم الفرج»⁽⁴⁾ ; «انتظار گشایش داشتن، خود

از بزرگ ترین گشایشها است. »

-و بالاخره رسول بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله آن را برترین جهاد امت اسلام دانسته، فرمودند:

«افضل جهاد امتی انتظار الفرج»⁽⁵⁾ ; « برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است. »

در دسته دوم از روایات نیز با مضامین فراوانی مواجه می شویم که برخی از آنها از این قرارند :

-امام صادق علیه السلام فرمودند: «علیکم بالتسلیم والرد الینا و انتظار امرنا و امرکم و فرجنا و

فرجکم»⁽⁶⁾ ; « بر شما باد به تسلیم و رد [امور] به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما. »

-امام باقر علیه السلام نیز آنگاه که دین مورد رضایت خداوند را تعریف می کند، پس از شمردن اموری می فرماید: «و التسليم لامرنا و الورع و التواضع و انتظار قائمنا ...»⁽⁷⁾ ; «و تسليم امر ما بودن و ورع و تواضع و انتظار قائم ما ... [از نشانه های دین داری مورد ضایت خداست].»

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار فرج - چه به معنای عام و چه به معنای خاص آن - در فرهنگ مقدس اسلام چه جایگاهی دارد .

انتظار چیست؟

زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است؛ به گونه ای که بدون «انتظار» زندگی شور و نشاط لازم برای تداوم ندارد .

حیات کنونی ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداها است، و چنین پویایی و حرکتی، بدون عنصر «انتظار» ممکن نیست .

پدیده انتظار، انسان را به حرکت در جهت مناسب با آن بر می انگیزد و از هر حرکت و گرایش به جهت های نامتناسب یا ناسازگار و متضاد با انتظار باز می دارد .

انتظار آرمانها و هدفهای برتر، اندیشه و عمل آدمی را در راستای تحقق آن آرمانها و هدفها قرار می دهد و انسان را وادار می دارد تا راهها و شیوه هایی را برگزیند تا به خواسته ها و هدفهای نزدیک شود و موانع راه را کنار زند . از اینجاست که انسان به آماده سازی خود و محیط خود می پردازد و زمینه آرمانها و هدفهای خویش را فراهم می آورد .

صبر و انتظار

یکی از اموری که همواره همراه انتظار فرج از آن یاد شده صبر است .

امام رضا علیه السلام فرمود: «ما احسن الصبر و انتظار الفرج»⁽⁸⁾ ; «چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج.»

آری انتظار بدون عنصر شکیبایی و صبر در برابر مشکلات، پوسته ای بدون مغز و قالبی بی محتوا است .

کسی که منتظر تحقق یافتن هدف آرمانی خویش است، باید تا شکل گرفتن آرمان، پایداری و شکیبایی کند و تاب و توان از دست ندهد، و هر ناملایمی را در آن راه با بردباری بپذیرد .

انتظار ظهور

نکته بسیار جالبی که از روایات مربوط به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست می آید، اینکه انتظار فرج تنها طریقی برای رسیدن به هدف نیست؛ بلکه خود نیز موضوعیت دارد . بدان معنا که اگر کسی در انتظار راستین به سر برد، تفاوتی ندارد که به مورد انتظار خویش دست یابد یا دست نیابد . بد نیست در اینجا به پاره ای از این روایات اشاره ای داشته باشیم :

1- شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار

ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود، چه می فرمایید؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «هو بمنزلة من كان مع القائم في فسطاطه - ثم سكت هنيهة - ثم قال:

هو كمن كان مع رسول الله»⁽⁹⁾ ; «او همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه او باشد - سپس

کمی سکوت کرد - و فرمود: او مانند کسی است که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است .» این

مضمون در روایات فراوانی با تعبیرات مختلف نقل شده است .

2- حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «او همانند شمشیر زنی در راه خداست» ; «بمنزلة

الضارب بسيفه في سبيل الله.»⁽¹⁰⁾

3- همچنین آن حضرت فرمودند: «او همانند کسی است که در خدمت او [قائم علیه السلام] با شمشیر بر

سر دشمنان بکوبد» ; «کمن قارع معه بسيفه» (11)

4- و نیز در مورد چنین انسانی فرمودند: «همانند کسی است که در لشکرگاه او (امام زمان علیه السلام)

باشد؛ بلکه به منزله کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد.» ; «بمنزلة من كان قاعدا في عسكرة لا بل

بمنزلة من قعد تحت لواء القائم» (12)

5- و در روایتی از امام حسین علیه السلام نقل شده که چنین فردی همانند کسی است که پیش روی پیامبر صلی

الله علیه و آله با شمشیر جهاد کند، «بمنزلة المجاهد بالسيف بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله.» (13)

6- و در روایتی دیگر از حضرت صادق علیه السلام همانند کسی دانسته شده که همراه با پیامبر صلی

الله علیه و آله جنگ کرده و به شهادت رسیده است . «بمنزلة من استشهد مع رسول الله.» (14) و (15)

انتظار سازنده یا ویرانگر؟

بر اساس روایات، انتظار فرج و چشم داشتن به ظهور، باید با مواظبت بر وظایف شرعی و فضایل

اخلاقی توأم باشد و آمادگی برای درک محضر حضرت مهدی علیه السلام در مفهوم انتظار نهفته است .

و اینجاست که بحث انتظار مورد اختلاف قرار می گیرد و برداشتهای متفاوتی از مسئله انتظار صورت

گرفته است که عمدتاً به دو نوع تلقی از انتظار باز می گردد :

1. انتظار سازنده : انتظار سازنده، تحرک بخش و تعهدآور، همان انتظار راستینی است که در روایات از

آن به عنوان «با فضیلت ترین عبادت» یاد شده است .

از آیات و روایات استفاده می شود که ظهور حضرت مهدی علیه السلام حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق و باطل که به پیروزی اهل حق منتهی می شود . سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد، عملاً در گروه اهل حق باشد .

شهید مطهری می نویسد: «در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام علیه السلام به آن حضرت می پیوندند . بدیهی است که این گروه ناگهان خلق نمی شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی شوند؛ بلکه معلوم می شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می دهد . این خود می رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است؛ بلکه فرضاً اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشد، از نظر کیفیت ارزنده ترین اهل ایمان اند و در ردیف یاران سید الشهداء. » (16)

2. انتظار ویرانگر: انتظار ویرانگر، فلج کننده و باز دارنده - که در واقع نوعی «اباحی گری» است - همواره مورد مذمت و سرزنش قرار گرفته است .

این نوع انتظار، حاصل برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود علیه السلام است که صرفاً ماهیت آن را انفجار می دانند و معتقدند که این انقلاب فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم، تبعیض، اختناق، حق کشی و تباهی ناشی می شود .

به نظر آنان، این انقلاب نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است . آنگاه که حق و حقیقت طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می آید . بنابراین هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است و تا در صحنه اجتماع، نقطه روشنی هست، دست غیب ظاهر نمی شود .

برعکس هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و هر پلیدی به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند، روا است؛ زیرا هدف وسیله های نامشروع را مشروع می کند . پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است .

این نوع برداشت از ظهور و قیام مهدی موعود علیه السلام و این نوع انتظار فرج - که منجر به نوعی تعطیلی در حدود و مقررات اسلامی می شود و باید نوعی «اباحی گری» شمرده شود - به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق نمی دهد .

چرا که افساد در هیچ شرایطی و با هیچ یک از آیات قرآن مطابقت ندارد و همواره مسلمانان به اجرای احکام الهی امر و توصیه شده اند .

بنابراین نکته مهم و اساسی این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی، هرگز نمی تواند نقش تماشایی را داشته باشد؛ بلکه باید از هم اکنون در صف انقلابیون قرار گیرد؛ چرا که ایمان به نتایج و عاقبت این تحول بزرگ، هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد . قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن «اعمال پاک» و «روحی پاکتر» و برخورداری از «شهامت» و «آگاهی» کافی است .

سپاهی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد، حتما به حالت آماده باش کامل در می آید . سلاحی را که برای چنین میدان نبردی شایسته و بایسته است، به دست می آورد و سنگرهای لازم را می سازد و آمادگی رزمی افراد خود را بالا می برد و روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه ای را در دل فرد فرد سر بازانش زنده نگه می دارد . ارتشی که دارای چنین آمادگی ای نیست، هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر مدعی انتظار باشد، دروغ می گوید .

انتظار یک «مصلح جهانی» به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است.

اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها، شوخی نیست و نمی تواند کار ساده ای باشد. آماده باش برای چنین هدف بزرگی، باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد! برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی، مردانی بسیار بزرگ، مصمم، نیرومند، شکست ناپذیر، فوق العاده پاک، بلند نظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است.

افزون بر آن منتظران راستین وظیفه دارند مراقب حال یکدیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند، زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند، یک برنامه فردی نیست. برنامه ای است که تمام عناصر انقلاب، باید در آن شرکت جویند؛ باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوششها و تلاشها هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی، باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند (17).

سخن را با دل گویه های محبوب قلبهایمان در عصر غیبت، و نایب آن یار سفر کرده به انجام می بریم که :

دل را ز بی خودی سر از خود رمیدن است جان را هوای از قفس تن پریدن است

از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان بانگ جرس زشوق به منزل رسیدن است

شام سیه تر است ز گیسوی سرکشت خورشید من بر آی که وقت دمیدن است

«حضرت آیت الله العظمی خامنه ای»

پی نوشت :

- (1) امالی طوسی، ص 405 .
- (2) کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 287 .
- (3) عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 36 .
- (4) الاحتجاج، طبرسی، ج 2، ص 317 .
- (5) تحف العقول، حرانی، ص 37 .
- (6) رجال کشی، ص 138 .
- (7) کافی، ج 2، ص 23، ح 13 .
- (8) کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 645 .
- (9) المحاسن، ج 1، ص 173 .
- (10) کافی، کلینی، ج 8، ص 146، ح 122 .
- (11) المحاسن، ج 1، ص 174 .
- (12) کافی، ج 1، ص 371، ح 2 .
- (13) کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 317، ح 3 .
- (14) الغیبة، نعمانی، ص 329 .
- (15) قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، مرتضی مطهری، ص 56 .
- (16) همان، ص 54 .
- (17) تفسیر نمونه، ج 7، صص 387 - 384 .